

ایران در قرن چهاردهم

امیر طیرانی

هنگامی که یک صدسال پیش قرن سیزدهم هجری شمسی بار سفر بر بست و ایران به قرن چهاردهم قدم گذاشت یک سال و یک ماه از کودتای سوم اسفند 1299 می‌گذشت .

برای جهان سرمایه داری در آن زمان و البته تاکنون مساله تامین نفت مورد نیاز اولویت اصلی بوده و هست . از این جهت وقتی بریتانیا نتوانست با قرارداد 1919 ایران را در غیاب رقیب دیرینه خود یکسره به زیر استعمار درآورد کودتای 1299 را طرح ریزی کرد .

برای امپراتوری بریتانیا به مثابه طراح و حامی کودتای سوم اسفند، این اقدام تنها یک تغییر و جابجایی در هیات دولت و رفتن و آمدن نخست‌وزیر در یک کشور جهان‌سومی نبود بلکه با توجه به کشف نفت در ایران و اهمیتی که این منبع انرژی برای دولت بریتانیا به ویژه در جریان جنگ جهانی اول پیدا کرده بود اقدامی بس استراتژیک به شمار می‌رفت. اقدامی که نه تنها به غارت بزرگترین سرمایه این سرزمین منجر شد بلکه پایه های فساد ریشه ای و برآمدن دولت هایی که تنها در نام و عنوان با یکدیگر متفاوت بودند و در عمل همگی دولت‌هایی متکی بر اقتصاد تک‌محصولی ، رانتی و زنده به درآمد حاصل از آن مایع بدبو متکی بودند .

در این مقاله وقایع ایران در قرن چهاردهم مرور شده است

دوره اول : سلسله پهلوی

الف- دوران رضاشاه پهلوی:

نخستین تاثیر کودتا به لحاظ سیاسی ، رقم زدن پایان سلطنت قاجاریه و روی کار آمدن سلسله‌ای جدید بود که از سوی بانی آن پهلوی نام گرفت .

از کودتا تا به تخت‌نشستن رضاخان میر پنج که از آن پس تا 57 سال رضاشاه نامیده شد یعنی در عرض 62 ماه دوازده بار هیات دولت در ایران تغییر کرد . سید ضیا الدین طباطبایی (2 بار) احمد قوام (3 بار) مشیرالدوله (2 بار) مستوفی الممالک (یک بار) و رضاخان سردار سپه چهار بار زمامدار نخست وزیری ایران شدند . در این دوران رضاخان میر پنج که پس از کودتا سردار سپه نامیده شد ابتدا در مقام وزیر جنگ در کابینه شرکت داشت و از آبان 1302 به بعد ردای نخست وزیری بر تن کرد.

در آبان 1304 مجلس شورای ملی با 80 رای موافق رای به خلع احمدشاه قاجار از سلطنت داد . مخالفت مدرس و مصدق و سخنرانی چند مخالف دیگر همچون تقی زاده و حسین علا و یحیی دولت آبادی تأثیری بر عزم جزم یاران رضاخان نداشت.

به دنبال رای مجلس شورای ملی ، رضاخان سردار سپه در آذر 1304 با رای مجلس موسسان رای بر تحت سلطنت نشست و بدین ترتیب نخستین میوه کودتا توسط بانی آن چیده شد .

رضاشاه که در دوران نخست وزیری مدتی شعار جمهوری خواهی سر داده بود ، در مسند سلطنت دیگر هیچ وقت نام جمهوری را بر زبان نیاورد .

هنگامی که سلطنت به رضاشاه منتقل شد ایران کشوری ورشکسته و عقب افتاده از دنیای جدید بود . قدرت دولت مرکزی عملاً تنها در پایتخت و چند شهر بزرگ بروز و ظهور داشت . سازمان اداری یا به اصطلاح بوروکراسی به معنای واقعی آن وجود نداشت . نظام خانخانی و ایلخانی در کشور حاکم بود و کشور فاقد یک نیروی نظامی حتی نیمه کارآمد بود .

رضاشاه برای تحکیم پایه های سلطنت اقدامات بسیار و متعددی را به اجرا گذاشت . بسیاری از آن اقدامات همچون تاسیس ارتش نوین، تاسیس دادگستری ، سروسامان دادن به وضع مالیه کشور ، برانداختن نظام خانخانی ، توسعه راههای کشور و به ویژه احداث خط آهن جنوب به شمال کشور و... برای تغییر اوضاع ایران ضروری بود . برخی از اقداماتش هم به ویژه در عرصه اقتصادی و فرهنگی تقلیدی بیش از غرب و بخصوص ترکیه بیش نبود . اقداماتی که به قول کاتوزیان شبه مدرنیزاسیون بود و نه گام در راه پیشرفت و توسعه کشور .

در دوره اول سلطنت پهلوی ارتش ایران که در سال 1300، عبارت از هشت هزار قزاق ، هشت هزار ژاندارم و شش هزار نفر پلیس جنوب ، آن هم تحت امر افسران انگلیسی و هندی و سوئدی بود در پایان سلطنت رضاشاه به 170 هزار نفر و تحت فرماندهی افسران ایرانی و با تجهیزات غیر قابل مقایسه با دوران پیش از وی تبدیل شده بود . تصویب و اجرای قانون وظیفه عمومی علاوه بر تأمین نیروی انسانی مورد نیاز ارتش ، کارکردهای دیگری همچون رسوخ حاکمیت به اقصای نقاط کشور را هم با خود به همراه داشت .

نظام اداری کشور از شکل و شمایل عقب افتاده و بی نظم و آشفته دوران پیش، سرو صورتی مناسب یافت و تعداد کارمندان به نود هزار نفر بالغ شد . دادگستری نوین و وزارت دارایی که محصول فکر و طراحی امثال علی اکبر داور و ... بود ، در پایان این دوره دیگر آن عدلیه ناکارآمد و مالیه بی درو پیکر نبود .

صنعت در دوران حکومت پهلوی اول با احداث تعداد زیادی کارخانه به ویژه کارخانه های قند و نساجی شناخته می شود . دیگر کارخانه های مهمی که در این دوران احداث شدند کارخانه های صابون سازی ، روغن کشی، گلیسرین سازی ، سیمان و... بودند . بنا به آمار موجود اداره صنعت و معادن که در اواخر این دوره به وزارت پیشه و هنر تغییر نام یافت، بیش از 300 کارخانه در کشور تاسیس و راه اندازی کرد.

همچنین رضاشاه علاوه بر احداث خط آهن از جنوب به شمال، در احداث و توسعه راههای کشور اقدامات زیادی صورت داد. در این دوره همچنین به شهرهای کشور و به ویژه شهرهای دو استان مازندران و گیلان رسیدگی شد.

بهرغم این اقدامات در زمینه اقتصادی، اقدام رضاشاه برای تغییر قرارداد نفت، نه تنها به سود ایران نبود بلکه در قبال افزایش جزیی درآمد ایران از محل استخراج نفت، مدت قرارداد داری رابه میزان 60 سال افزایش داد.

در عرصه فرهنگی، نظام آموزشی واحد و آموزش رایگان، جمع آوری مکتبخانه‌های قدیمی و اجباری کردن آموزش مذهبی در مدارس و نیز تجمیع موسسات آموزش عالی و تاسیس دانشگاه تهران از جمله اقدامات مهم دوره به شمار می‌رفتند. اقدام دیگر در زمینه اجتماعی تغییرات صورت گرفته در زمینه تغییر لباس و کلاه بود. تغییر نام پرشیا به ایران، تغییر تاریخ هجری قمری به هجری شمسی یا خورشیدی، ممنوعیت به کارگیری القاب اشرافی و اجبار به انتخاب نام فامیلی از دیگر اقدامات در دوران سلطنت رضاشاه به شمار می‌رود.

رضاشاه در دوران حکومت خود، اعمال نفوذ در عرصه مسائل مذهبی را نیز در دستور کار قرار داد و چند دگرگونی مهم را رقم زد. نخستین اقدام، ایجاد محدودیت برای روحانیان بود که تا آن زمان از طریق در دست داشتن عرصه‌های قضا و آموزش و موقوفات از نوعی استقلال برخوردار بودند. به دستور رضاشاه از اواسط این دوره روحانیان برای استفاده از لباس سنتی خود مجبور به اخذ مجوز دولتی شدند و برای نخستین بار در تاریخ تشیع، داوطلبان برای پوشیدن لباس روحانی باید از دولت اجازه می‌گرفتند. با ایجاد دادگستری نوین، قضاوت از دست روحانیان خارج شد. همچنین با تاسیس اداره اوقاف بخش مهمی از موقوفات کشور از کنترل و اختیار روحانیان شد و دولت از طریق اداره اوقاف، اداره و درآمد موقوفات را را در اختیار گرفت و بدین وسیله بخش مهمی از درآمد روحانیان از محل موقوفات قطع شد. از سوی دیگر با تاسیس نظام جدید آموزشی نفوذ روحانیت در عرصه آموزشی نیز به میزان زیاد کاهش یافت.

اقدام دیگر رضاشاه ممنوعیت مراسم سنتی عزاداری در ماه‌های محرم و مناسبت‌های دیگر بود. به فرمان شاه برگزاری مراسم تعزیه و عزاداری و هیات‌های مذهبی ممنوع شد.

اما بزرگترین اقدام وی که واکنش و بازتاب فراوانی باخود به همراه داشت کشف حجاب زنان بود. در هفدهم دی 1314 به دستور حکومت زنان و دختران از استفاده از چادر، روبنده و روسری منع شدند و حضور زنان در معابر و مدارس، و مراکز آموزشی و مراسم با حجاب اسلامی و چادر ممنوع اعلام شد و کارمندان دولت را مجبور کردند تا با همسران بی حجاب خود در مراسم و جشن‌ها و ... حاضر شوند. در آن روز رضاشاه با همسر و دختران بی حجاب خود در جشن دانشسرای عالی شرکت کرد.

شونینسم یا ملی گرایی افراطی برپایه باستان‌گرایی یکی دیگر از سیاست‌هایی بود که در دوران رضاشاه به اجرا درآمد. شعار "خدا، شاه، میهن" به شعار رسمی دولتی درآمد و در سرود شاهنشاهی آمده بود: کز پهلوی شد ملک ایران صدره بهتر ز عهد باستان " این گرایش شدید ناسیونالیستی زمینه ای برای گرایش به آلمان نازی در دوره دوم رضاشاه را رقم زد. همان سیاستی که موجبات بهانه جویی انگلیس و شوروی و آمریکا برای اشغال ایران را فراهم آورد.

برقراری امنیت، رسیدگی به اوضاع بس عقب مانده و قرون وسطایی کشور، تاسیس کارخانه و احداث راه، تاسیس دانشگاه یا توسعه مدارس و نظام نوین آموزشی و ... نیاز زمانه بود و هر که در ایران بر مسند قدرت می نشست باید چنین اقداماتی را به انجام می رسانید. سید ضیا الدین طباطبایی هم در کابینه صدروزه خود بر لزوم ایجاد دگرگونی و اصلاح برخی از این امور تاکید کرده و حتی برخی کارها را انجام داده بود.

بدون انجام چنین اصلاحاتی و ایجاد ثبات و امنیت تامین نیاز روزافزون دنیای غرب و در راس آنها بریتانیا به نفت امکان پذیر نبود. رضاشاه در دهه اول سلطنت خود با سرکوب ایلات و عشایر و یکجانشین کردن آنها قدرت خود را در سراسر کشور حاکم کرد.

همچنین برای جلوگیری از نفوذ کمونیسم و شوروی در ایران نیاز به ایجاد تغییرات و خارج ساختن کشور از وضعیت فلاکت بار دوران قاجار در ایران امری ضروری بود.

به موازات این اقدامات که به واقع نیاز زمانه بود، رضاشاه در عرصه سیاسی نیز دست به تغییرات عمده و فراوانی زد. اقداماتی که موافقان خود وی نیز بر غیر انسانی و غیر ملی بودن آنها و مخالفت آشکار آن اقدامات با اهداف انقلاب مشروطیت صحنه می گذارند.

رضاشاه از همان ابتدای سلطنت، دشمنی خود با اصول و آرمان های انقلاب مشروطیت را آغاز کرد. او که در فاصله کودتا تا به شاهی رسیدن مخالفان خود از جمله میرزاده عشقی را به صورت پنهانی از میان برداشت و سیدحسن مدرس را ترور کرد و شخصیت هایی استخوان دار و ملی همچون سلیمان میرزا اسکندری و مصدق را خانه نشین کرد و بعد از مدتی به تبعید فرستاد، بعد از سلطنت پرده پوشی و پنهان کاری را به کنار گذاشت. سیاست حذف مخالفان و منتقدان را ابتدا از رقبا و نیروهای سیاسی شروع کرد و در ادامه به حذف اطرافیان خود همچون تیمورتاش و نصرت الدوله فیروز و ... پرداخت. ترس از رضاشاه آنچنان در جامعه سایه افکنده بود که میرزا علی اکبرخان داور که یکی از چند معمار نظام سیاسی و ساختار اداری جدید محسوب می شد را وادار به خودکشی کرد.

یکی از شیوه های معروف در آن عصر کشتن زندانیان بود. چنانچه سردار اسعد بختیاری، تیمورتاش، شیخ خزعل، صولت الدوله قشقایی، فرخی یزدی، دکتر تقی ارانی و ... از جمله زندانیان معروفی بودند که در زندان به بیماری های گوناگون مبتلا و خبر مرگ آنها منتشر شد.

به جز از میان برداشتن مخالفان و زندانی و بازداشت و قتل آنها بر اثر بیماری یا امپول های پزشک احمدی معروف، رضاشاه تومار تمامی تشکل های موجود در جامعه را پیچید. حزب کمونیست ایران، حزب سوسیالیست و اتحادیه های کارگری از همان ابتدای کار غیرقانونی اعلام شدند و اعضا و هواداران آن مورد تعقیب قرار گرفتند. به جز احزاب و تشکل های مخالف این غضب و دستور به تعطیلی حتی شامل احزاب و تشکل های طرفدار رضا شاه یعنی احزاب و گروه هایی همچون حزب تجدد و غیره نیز شد. همان ها که در برکشیدن رضاه به قدرت و برتخت نشاندن او سهمی بسزا داشتند. به هنگام دستور تعطیلی حزب تجدد، تیمورتاش وزیر دربار، سید محمد تدین رییس مجلس و علی اکبر داور وزیر عدلیه رضا شاه از رهبران حزب تجدد بودند. حزب تجدد در سال 1306 ش به حزب ایران نو تغییر نام یافته بود تنها سه ماه دوام آورد و گرچه شاخه پارلمانی آن به نام "ترقی" تا سال 1311 ش پا

برجا بود ولی فعالیت آن در همان سال 1306 ش ممنوع شد. حزب ایران نو نیز به دست حزب دست نشانده دیگری به نام حزب ضد اجنبی‌ها از میان برداشته شد.

به جز انحلال احزاب و اتحادیه های صنفی و تعقیب و بازداشت اعضا و فعالان این تشکل ها ، اقدام ضد مشروطه دیگر رضاشاه توقیف و سانسور شدید مطبوعات بود. در این دوران از آن تعداد زیاد روزنامه و جریده دوران پیش، تنها یکی دو روزنامه و چند مجله با انتشار محدود اجازه انتشار داشتند که آنها هم زیر تیغ تیز سانسور محرمعلی‌خان ممیز اداره تأمینات کجدار و مریز منتشر می‌شدند .

از جمله دیگر اقدامات ضد مشروطه رضاشاه تبدیل مجلس شورای ملی به ملعبه و مضحکه بود . داستان انتخابات مجلس ششم که در آن نه تنها یک نامزد مخالف رضاشاه هم به مجلس راه نیافت بلکه حتی رای مدرس به شخص خودش هم خوانده نشد داستانی بس تکراری به شمار می‌رود . بنا به نقل دوست و دشمن ، رضاشاه با عبارتی از مجلس نمایندگان مردم نام می‌برد که قلم از تکرار آن توهین شرمگین است .

وسرانجام در این بیست ساله نخست قرن چهاردهم اتفاق دیگری که رخ داد ظهور بزرگ مالکی به نام رضا شاه پهلوی بود . رضاشاه در طول سلطنت خود توانست مالک بیش از 1/5 میلیون هکتار زمین شود. به گزارش سفارت بریتانیا در تهران : «او حرص غریبی نسبت به زمین دارد. » و این زمین‌ها به جز ثروت سه میلیون پوندی وی بود .

ب- دوران محمدرضاشاه :

دومین بخش از زندگی ایرانیان در قرن چهاردهم دوران سلطنت محمدرضاپهلوی را دربردارد . دوران سی و هفت ساله‌ای که با اشغال ایران توسط سربازان بریتانیا، شوروی و سپس آمریکا آغاز شد و با انقلاب اسلامی و خروج شاه از کشور پایان گرفت.

دوران محمدرضاشاه را به دو بخش می‌توان تقسیم کرد . دوره اول که سال‌های 1320 تا 1332 را شامل می‌شود دوران حکومت پادشاهی جوان و بی تجربه در اداره امور بود . دورانی که وی و اطرافیانش با توجه فضای سیاسی ایران بعد از سقوط دیکتاتور تلاش در ارائه تصویری از یک پادشاه مشروطه که فقط سلطنت می‌کند و مسئولیت امور و مسائل کشور برعهده هیات دولت و مجریان امور است داشتند . و دوره دوم از 1332 تا 1357 که در آن دوران به تدریج از شاه تحت تاثیر شدید مدیون دیگران به دیکتاتوری مطلق العنان تبدیل شد .

1320-1332

به دنبال اشغال ایران در سوم شهریور 1320 ، دولت های بریتانیا و شوروی رضاشاه را وادار به کناره گیری از سلطنت کردند و فرزند 21 سال او محمدرضا را به تخت سلطنت نشاندد.

محمدرضا پهلوی در 25 شهریور 1320 در مجلس شورای ملی حاضر شد و به قرآن قسم یاد کرد که حافظ استقلال ، حقوق ملت ، قانون اساسی و... و مروج مذهب شیعه باشد.

ایران در طول دوازده سال اول حکومت محمدرضاپهلوی با مخاطرات، حوادث بیشمار و مردم کشور با سختی‌ها و مصائب بسیار به ویژه در دوران اشغال کشور روبه‌رو بودند. پیامد اصلی اشغال کشور مصائب بدبختی‌های روزمره مردم همچون کمبود نان و شیوع بیماری و تعدی سربازان اشغالگر به جان و مال و ناموس مردم و از میان بردن زیرساخت‌های کشور بود.

به جز آن، اشغال کشور پیامدهای دیگری هم با خود به همراه داشت. از جمله این پیامدها بازگشت دوباره اشراف و اعیان به صحنه سیاسی کشور، آزادی مراسم و مناسک مذهبی و نیز پیدایش فضای تنفس برای نیروهای سیاسی و انتشار مطبوعات آزاد بود که به‌رغم حضور محرم‌علی‌خان و تعطیلی‌های پی‌درپی به تنویر افکار عمومی می‌پرداختند. بنا به آمار در این دوران بیش از سه هزار نشریه در کشور با سلاقی و افکار و دیدگاه‌های متنوع منتشر شدند.

با هجوم نیروهای بیگانه ارتش و نیروهای انتظامی که طی سال‌های 1307 تا 1317 از چهل تا 26 درصد بودجه کل کشور را به خود اختصاص داده بود، قادر به کوچکترین اقدام در جهت حفظ ایران نشدند. تمام قدرت نظامی و انتظامی رضاشاه فقط به درد از میان برداشتن مخالفان داخلی و غصب زمین‌دارایی‌های مردم می‌خورد و در مقابل هجوم بیگانه امکان مقابله نداشت. به همین دلیل با سقوط دیکتاتور و از میان رفتن تور پلیسی و امنیتی از سر جامعه ناگهان خلأی در جامعه ایجاد شد. ترک برداشتن ساختار استبدادی این امکان را به نیروهای سیاسی داد تا امکان تنفس پیدا کنند. در طول این دوازده سال تعداد زیادی تشکل سیاسی، صنفی، فرهنگی و اجتماعی و اقتصادی در قالب احزاب، سازمان‌ها، گروه‌های، جبهه‌ها، کانون و جمعیت و ... تاسیس و فعالیت کردند.

این فضای نیمه باز سیاسی و انتشار افکار و عقاید گوناگون تاثیر بسیاری بر رشد آگاهی عمومی برجای گذاشت که از جمله نتایج آن حمایت وسیع مردم از نهضت ملی شدن صنعت نفت به رهبری دکتر مصدق بود.

اما پیامد این فضای نیمه‌باز تنها در عرصه سیاسی خود را نشان نداد. در عرصه فرهنگی و فکری نیز در این دوره شاهد رشد و شکوفایی بسیار هستیم. در عرصه ادبی، موسیقی، سینما و تئاتر هم یک تحول جدی رویداد و نویسندگان و شاعران و بازیگران متعدد و توانایی پا به عرصه فرهنگی و هنری گذاشتند. جلال آل احمد، احمدشاملو، صادق چوبک، صادق هدایت، مهدی اخوان ثالث، عبدالحسین نوشین از جمله هنرمندان و نویسندگان شاخص این دوره به‌شمار می‌آیند.

به جز اینها یک رویداد مهم در این دوران رخ داد. در پایان جنگ جهانی دوم ارتش سرخ شوروی به-رغم توافق متفقین با دولت ایران در خصوص تخلیه خاک ایران، از ترک خاک ایران خودداری کرد و زیر سایه ارتش سرخ فرقه دمکرات ایران در آذربایجان اعلام خودمختاری کرد. به دنبال آن نیز قاضی محمد در مهاباد، اعلام خودمختاری کرد. تلاش دولت ایران برای مقابله با این دو اقدام به دلیل حمایت روسها منجر به نتیجه نشد. تا آن که با قول احمد قوام به استالین مبنی بر واگذاری امتیاز نفت به روسها، ارتش سرخ ایران را ترک کرد و ارتش ایران با ورود به تبریز و از سوی دیگر مهاباد به این دوغائله خاتمه داد.

با اتمام جنگ اتفاق زیرپوستی دیگری نیز در ایران روی داد که نتایج آن به مرور آشکار شد و آن جایگزینی آمریکا به جای انگلستان در عرصه سیاسی ایران بود. آمریکا که با پیروزی در جنگ باهیتلر به قدرت برتر جهان تبدیل شده بود، در ایران نیز توانست به قدرت تاثیر گزار تبدیل شود.

آمریکایی‌ها از همان ابتدای ورود به ایران علاوه بر هدف اصلی خود در خصوص کمک رسانی به جبهه‌های شرقی جنگ در اروپا، نفوذ نظامی و اقتصادی خود در ایران را نیز آغاز کردند. تلاش کمپانی‌های نفتی آمریکایی برای دستیابی به امتیازهای نفتی از آن جمله بود که با مقاومت اقلیت مجلس چهاردهم به رهبری دکتر مصدق ناکام ماند. اما آمریکایی‌ها با اعزام آرتور میلسپو به ایران در راس وزارت دارایی و گماردن مستشاران نظامی خود در ارتش و ژاندارمری تلاش بر سلطه در ایران را پی- گرفتند.

این دهه همچنین شاهد چند ترور مهم نیز بود از جمله این ترورها، تیراندازی به شاه در محوطه دانشگاه تهران، عبدالحمید زنگنه وزیر فرهنگ و ترور عبدالحسین هژیر وزیر دربار، سپهبد حاجعلی رزم‌آرا نخست وزیر، احمد کسروی، و دکتر حسین فاطمی توسط اعضای فداییان اسلام و ترور محمد مسعود مدیر مسئول روزنامه مردامروز بود. تروری که بعدها معلوم شد توسط اعضای حزب توده صورت گرفته بود.

در این دوره همچنین دو اقدام مهم در عرصه اقتصاد در ایران انجام شد. اقدام نخست تاسیس سازمان برنامه و بودجه زیر نظر مستشاران آمریکایی و نیز اجرای «اصل 4 ترومن» در ایران بود. اصل 4 ترومن برنامه کمک به کشورهای غیراروپایی آسیب دیده از جنگ جهانی و هم پیمان غرب نظیر آن چه که در اروپا تحت عنوان «طرح مارشال» به اجرا درآمد، بود.

و سرانجام اتفاق مهم این دوره وقوع کودتای 28 مرداد 1332 بود که به سرنگونی حکومت دموکراتیک و مردمی دکتر مصدق انجامید. کودتای 28 مرداد نه تنها مهرپایان بر تنها حکومت دموکراتیک در ایران بود بلکه بر تنها تجربه اقتصادی غیر مکتبی بر نفت کشور نیز پایان داد تا بار دیگر ایران به روزگار پیشین بازگردد.

1332-1357

دوره 25 ساله حکومت محمدر شاه دوران پرماجرا و پرفراز و نشیب هم برای مردم هم برای حکومت بود. در این دوران ایران شاهد حضور همه جانبه و دخالت آمریکایی‌ها در امور داخلی ایران، مخالفت های مردمی با نظام دیکتاتوری، قیام های مردمی، جنبش مسلحانه علیه رژیم و سرانجام تلاش های رژیم برای نجات از شبخ کمونیسم تحت عنوان اصلاحات ارضی و انقلاب سفید هستیم.

بعد از کودتای 28 مرداد دولت آمریکا که از خرید نفت ایران در دوران مصدق خودداری کرده بود سیل کمک های نظامی و اقتصادی خود را به ایران سرازیر کرد. این تلاش ها که برای جلوگیری از نفوذ شوروی و کمونسم به ایران صورت می گرفت، در کنار بازداشت های گسترده بعد از کودتا که در ابتدا توسط ماموران فرمانداری نظامی و سپس ساواک انجام می گرفت، به رغم اعدام و حبس ابد برای افسران حزب توده و بهرغم محاکمه بازداشت و سپس تبعید دکتر مصدق و بازداشت عده زیادی از اعضای نهضت مقاومت ملی نتیجه ای در پی نداشت. برآورد آمریکایی ها در پایان دهه 1330 از عملکرد رژیم

عبارت بود از افزایش خطر کمونیسم و شوروی به دلیل ناتوانی در اداره کشور و سوءاستفاده از کمک‌های بلاعوض و وام‌های آمریکایی‌ها. به همین دلیل در ابتدای دهه 1340 با فشار آنها، شاه مجبور به انتصاب علی امینی به نخست وزیری شد تا برنامه های مورد نظر آمریکایی‌ها که در راس آنها اصلاحات ارضی و تقسیم زمین‌های کشاورزی میان کشاورزان بود را به اجرا بگذارد.

با درگذشت آیت الله العظمی بروجردی در 10 فروردین 1340 مانع بزرگ شاه برای انجام اصلاحات ارضی و نیز اقدامات دیگر از میان برداشته شد و اقدامات دیگری از جمله اصلاحات ارضی و اعطای حق رای به زنان را آغاز کرد. این اقدامات آغاز مخالفت روحانیان به رهبری آیت الله العظمی خمینی را با خود به همراه داشت که به نام نهضت روحانیت مشهور شد.

علی امینی به رغم آن‌که مجری برنامه‌های آمریکایی‌ها بود بعد از بازگشت شاه از سفر امریکا از کار برکنار و اسدالله علم همان که از دیرباز خود را غلام‌جان نثارشاه می‌خواند جانشین وی شد. نخست وزیری که در دوران صدارت وی، بازداشت گسترده نیروهای سیاسی و دانشجویان از اولسط زمستان 1341 تا تابستان 1342 و قتل عام خونین مردم در 15 خرداد 1342 روی داد.

چندی بعد از 15 خرداد 1342، اسدالله علم جای خود را به حسنعلی منصور داد که قرارداد کاپیتولاسیون میان ایران و آمریکارا به امضا رسانید. و آیت الله خمینی را در اعتراض به این اقدام از ایران به ترکیه تبعید کرد.

منصور در اول بهمن 1343 توسط محمد بخارایی از اعضای هیات های موقوفه ترور و بعد از مرگ وی امیرعباس هویدا به نخست وزیری منصوب شد. مقامی که تا تابستان 1356 آن را حفظ کرد.

در این دوره، نیروهای مبارز و آزادی خواه که آزادی و اسقلال ایران را در معرض نابودی می‌دیدند و از سوی دیگر با سرکوب و بازداشت گسترده نیروهای مخالف توسط رژیم شاه روبه ور بودند راهی به جز روی آوردن به اسلحه برای مقابل با رژیم ندیده و در نتیجه جنبش مسلحانه با گرایش های فکری در ایران راه خود را آغاز کرد. پاسخ رژیم و نیروهای امنیتی به این جنبش سخت و خشن بود.

علاوه بر این جریان قهرآمیز حرکت‌های آگاهی بخشی نیز از سوی برخی روشنفکران مسلمان، مارکسیست و ملی علیه رژیم در دهه 1340 آغاز شد که موثرتر و بنام تر از همه حرکت حسینییه ارشاد و دکتر علی شریعتی بود.

شاه بعد از شروع به اصلاحات ارضی به تدریج آن را توسعه داد و به نام اصول انقلاب سفید در ابتدا مواد ششگانه اصلاحات خود را مطرح و به اجرا گذاشت. طرح هایی نظیر، اصلاح قانون انتخابات و برخورداری زنان از حق رای، سهمیم کردن کارگران در سود کارخانجات، سپاه دانش، ملی کردن جنگل ها.

اصول انقلاب سفید در طول زمان به هیجده اصل افزایش یافت.

اما مهمترین دستاورد در این دوره طرای و اجرای برنامه چهارم توسعه اقتصادی کشور بود که موفق‌ترین برنامه اقتصادی توسعه در تاریخ برنامه های پنج ساله ایران به شمار می‌رود. در حالی که رشد سالانه تولید ناخالص داخلی ایران در طول دوره برنامه چهارم 11/6 درصد، رشد متوسط سالانه

صادرات 19/9 درصد، رشد هزینه‌های عمرانی 21/4 درصد و هزینه‌های جاری 18 درصد بود رشد شاخص بهای کالاها و خدمات مصرفی در سطح 3/7 درصد قرار داشت. با اجرای برنامه‌های توسعه در این دوره، راه‌های شوسه؛ آهن و نیز فرودگاه‌های کشور توسعه یافت و تعداد کارخانه‌های کوچک از 1500 واحد در 1332 به 7000 واحد، کارخانه‌های متوسط از 300 به 800 واحد و کارخانه‌های بزرگ از 100 واحد به 150 واحد افزایش یافت. در زمینه آموزشی نیز تعداد دانش‌آموزان از بعد از انقلاب سفید از 2 میلیون نفر به 5 میلیون نفر و تعداد موسسات آموزشی سه برابر شد.

در عرصه نظامی رشد هزینه‌ها به نسبت سایر بخش‌ها بسیار بیشتر بود. در طول این دوره یعنی از 1332 تا 1356 براساس برآورد موسسه بین‌المللی تحقیقاتی استکهلم، هزینه‌های نظامی کشور از 60 میلیون دلار در سال 1332 به 7200 میلیون دلار در سال 1356 افزایش یافت.

با افزایش قیمت نفت در سال 1352، درآمدهای رژیم در مدت کوتاهی چهاربرابر شد و در نتیجه برنامه پنجم توسعه و هرنچه که پیش‌بینی شده بود به کنار گذاشته شد و حجم مالی برنامه پنجم در تجدید نظر دوبار شد. بدین ترتیب، بریز و پاش‌ها در کشور آغاز شد و در اثر آن کار به جایی رسید که شخص محمدرضا شاه از نحوه عملکرد خود اینچنین یادکرد: اگر پولی اضافه بیاورد دیگر آن را آتش نخواهیم زد. محصول آن آتش زدن درآمدهای نفتی به جز اتلاف منابع ملی، تورم غیرقابل مقایسه سال‌های نیمه اول دهه 1350 بود که شاه برای کنترل آن با راه انداختن ماموران اتاق اصناف سعی در مهار آن داشت.

در عرصه اجتماعی در دوره دوم حکومت محمدرضا شاه، اقدامات و تلاش‌های فراوانی به انجام رسید که به برخی دگرگونی‌ها نیز منجر شد. از جمله این اقدامات تغییر بافت جمعیتی کشور، مهاجرت روستاییان به شهرها و افزایش بی‌رویه حاشیه‌نشینی به ویژه در اطراف شهرهای بزرگ همچون تهران شد.

در زمینه‌های آموزشی و فرهنگی نیز اقدامات متعددی در این دوران صورت گرفت که ازجمله نتایج آنها افزایش تعداد دانش‌آموزان و دانشجویان و مراکز آموزشی بود. علاوه بر این در زمینه فرهنگی تلاش در خصوص تغییر فرهنگ بومی ایران-اسلامی و تبلیغ فرهنگ غربی و مظاهر تمدن غرب در این دوران اوج گرفت. تاسیس مراکزی همچون کاخ جوانان و برنامه‌هایی که در این مراکز انجام می‌شد همچون برنامه‌های رادیو و تلویزیون در این راستا بود.

اما برخلاف عرصه فرهنگی و اجتماعی که بنای رژیم بر خروج از وضعیت بسته گذشته قرار داشت در این دوران 25 ساله، فضای سیاسی کشور رو به بسته شدن و تحکیم سانسور و خفقان رفت. به جز دوره کوتاه مدت 1339-1342 و یا 1355 به بعد که تحت فشار آمریکایی‌ها تا حدی از فشارهای حکومت کم شد، در باقی سال‌ها اختناق حرف اول را می‌زد. در این سال‌ها به جز دو حزب دولتی مردم و ملیون که بعد به ایران نوین تغییر نام یافت و سرانجام هم به همراه حزب پان‌ایرانیست در سال 1353 همگی محل اعلام شدند و جای آنها را حزب رستاخیز گرفت، هیچ حزب و سازمانی حق فعالیت نداشت. اتحادیه‌های کارگری به طور کامل تحت کنترل ساواک و دستگاه‌های دولتی قرار داشتند و اصولاً بدون اجازه ساواک هر نوع فعالیت عمومی اعم از سیاسی، فرهنگی و اجتماعی ممنوع بود.

بعد از کودتای 28 مرداد وظیفه برخورد و کنترل مخالفان رژیم ابتدا برعهده فرمانداری های نظامی بود که در شهرها تشکیل شدند . ماموران فرمانداری نظامی در مدت کمی بیش از یک سال توانستند بخش مهمی از اعضای حزب توده و شبکه افسری آن را کشف و عده زیادی از افراد مرتبط با آن را شناسایی، دستگیر و محاکمه کنند . بنا بر نوشته سرهنگ زیبایی یکی از شکنجه‌گران فرمانداری نظامی که بعد به عضویت ساواک درآمد، نزدیک به پنج‌هزار نفر در این رابطه بازداشت شدند . از این تعداد بیش از سی افسر و درجه دار به جوخ های اعدام سپرده شدند . تعدادی به حبس ابد و بقیه به زندان از یک تا پانزده سال محکوم شدند . برخی نیز همچون وارطان سالاخانیان در زیر شکنجه کشته شدند .

فرمانداری نظامی همچنین با شناسایی رهبران و اعضای نهضت مقاومت ملی عده زیادی از آنها را در تهران و شهرستان ها بازداشت و محاکمه کرد . از جمله بازداشت دگان آیت‌الله سید رضا زنجانی، مهندس بازرگان ، استاد محمدتقی شریعتی و دکتر علی شریعتی بودند .

در اواسط دهه 1330 شاه با کمک F.B.I و MI6 سازمان امنیت و اطلاعات کشور (ساواک) را راه انداز کرد و بدین وسیله ماموریت شناسایی و سرکوب مخالفان را برعهده آن گذاشت .

با آغاز جنبش مسلحانه در اواخر دهه 1340 به دلیل ناهماهنگی در مقابله با چریک های مسلح، نهاد جدیدی تحت عنوان «کمیتة مشترک ضدخرابکاری» متشکل از نیروهای ساواک شهربانی و ژاندارمری، تلاش کرد به مقابله با مخالفان برود.

اما همه این تلاش‌ها بی ثمر ماند .

در دوران محمد رضاشاه ، جنبش دانشجویی یکی از استوانه های مبارزه و مقاومت در برابر رژیم به شمار می‌رفت . دانشگاه‌ها محلی برای اعتراض علیه سیاست های رژیم و برای جذب نیرو از سوی جریانات سیاسی به شمار می رفت . به همین دلیل بارها محیط دانشگاه چه در تهران و چه در شهرستان ها مورد هجوم نیروهای نظامی و انتظامی قرار گرفت و دانشجویان بسیاری در همین ارتباط بازداشت و زندانی شدند . در راس این هجوم ها، سه یورش سربازان و نیروهای مخفی و لباس شخصی شاه در 16 آذر 1332، اول بهمن 1340 و 13 آبان 1357 بود که علاوه بر وارد کردن خسارات فراوان به ساختمان و اموال دانشگاه تهران به زخمی شدن و کشته شدن عده ای از دانشجویان منجر شد .

شاه از اواخر سال 1355 تحت فشارهای سیاست های حقوق بشری کارتر رییس جمهور آمریکا، مجبور شد تا حدودی از فشار خفقان موجود بکاهد . ابتدا عده‌ای از زندانیان سیاسی آزاد شدند . از فشار بر سانسور تا حدی کاسته شد و برخی کتاب های ممنوعه اجازه انتشار یافتند .

از ابتدای سال 1356 با کاهش فشارها به تدریج برخی نیروهای سیاسی در عرصه جامعه ظهور یافتند ، چند نامه سرگشاده به نخست وزیر و شخص شاه نوشته شد . همچنین با درگذشت دکتر علی شریعتی در لندن چند مراسم بزرگداشت در تهران و شهرهای دیگر برگزار شد که با تظاهرات و شعارهای ضد رژیم همراه بود . در اواخر تابستان 1356 برگزاری مراسمی تحت عنوان « شب های شعر گوته» محلی برای گردهمایی روشنفکران مخالف رژیم و سخنرانی‌هایی بر ضد رژیم شد.

در همین اوان دو رویداد مهم در کشور رخ داد. نخست حمله ماموران رژیم با لباس مبدل و تحت عنوان کارگران به مراسم جشنی بود که در باغی در کاروانسرا سنگیدر جاده کرج به تهران صورت گرفت . در

جریان آن حمله چماق بدستان رژییم با وحشیگری تمام حاضران در آن جا را مورد هجوم و ضرب و شتم قرار دادند و به اتومبیل های آنها صدمه با سنگ و چوب خسارت زدند .

رخداد دیگر تشکیل جمعیت ایرانی دفاع از حقوق بشر توسط شخصیت هایی همچون مهندس بازرگان ، دکتر سنجابی و همفکرانشان بود که در دوره خود توانست منشا اثر زیادی در برخورد باجانیات رژییم باشد .

اول آبان 1356 با انتشار خبر درگذشت حاج آقا مصطفی خمینی در نجف ، در بسیاری از شهرهای کشور برای وی جلسات بزرگداشت برگزار شد .

برگزاری این مراسم رژییم و مطرح شدن دوباره نام آیت الله خمینی در میان مردم ، شاه و رژییم را به وحشت انداخت . این هراس تا به آنجا بود که برای خنثی کردن آن اقدام به نگارش مقاله ای سرپا توهین و افترا علیه ایشان در روزنامه اطلاعات کرد .

اما انتشار آن مقاله نه تنها معضل رژییم از مطرح شدن نام خمینی را چاره نکرد بلکه همچون جرقه ای به انبار باروت، ایران را یکسره برانگیخت . ابتدا در قم تظاهرات علیه آن نوشته برپا شد و با کشتار تظاهرکنندگان بی دفاع توسط ماموران رژییم ، سلسله مراسم و تظاهرات تحت عنوان چهل شهدا در کشور آغاز شد . اما نه کشتار مردم در تبریز و نه در یزد و نه در اصفهان و نه هفده شهریور نتوانست سد راه مردم شود . حرکت مردم همچون مد دریا کشتی توفان زده رژییم شاه را در خود غرق کرد.

یک سال و ده روز بعد از آن نوشته شاه در 26 دی 1357 مجبور شد از ایران خارج شود و کمتر از یک ماه بعد در 22 بهمن نظام سلطنت در ایران ساقط شد .

دوره دوم : جمهوری اسلامی

در میانه دهه ششم قرن چهاردهم هجری در حالی که هیچ کس در داخل و خارج ایران از موافقان رژییم تا سرسخت ترین مخالفان آن احتمال تغییر و دگرگونی در نظام سیاسی ایران را نمی دادند در عرض کمی بیش از یک سال ناگهان همه چیز در ایران تغییر کرد و جزیره ثبات به گفته جیمی کارتر رییس جمهور آمریکا به کانون تحولات منطقه با تاثیراتی جهانی بدل گشت .

آمریکا و هم پیمانانش چون از شاه و رژییم وی برای غلبه بر مردم ناامید شدند برای حفظ منافع استراتژیک خود و به ویژه ممانعت از قطع صادرات نفت ایران و نیز هدف دیگرشان یعنی جلوگیری از خطر نفوذ شوروی و کمونیسم در ایران در جزیره گوادلوپ گردهم آمدند و بر سر رفتن شاه از ایران توافق کردند . به همین منظور ژنرال چهارستاره آمریکایی رابرت هایزر را راهی ایران کردند تا فرماندهان ارتش را به عدم مقاومت در برابر انقلاب مردم فراخواند.

در چنین شرایطی شاپور بختیار آخرین نخست وزیر رژییم سلطنتی نیز به جز فرار از صحنه راهی دیگر نداشت و در نتیجه موج خروشان مردم در روز 22 بهمن باتسخیر مراکز نظامی و دولتی رژییم ، تومار سلطنت را در هم پیچید . و بدین سان فصل جدیدی در تاریخ معاصر ایران با تولد نظام جدید آغاز شد .

دوران چهل و سه ساله بعد از پیروزی انقلاب را به چند قسمت می توان تقسیم کرد

الف- تاسیس

با سقوط نظام شاهنشاهی ، اداره امور کشور برعهده رهبران انقلاب قرار گرفت . پیش از پیروزی انقلاب به دستور رهبر انقلاب دو نهاد شورای انقلاب اسلامی به عنوان مرکز تصمیم گیری و دولت موقت انقلاب اسلامی برای اداره امور کشور انتخاب شده بودند.

از جمله کسانی که به عضویت شورای انقلاب اسلامی انتخاب شدند از روحانیان با سابقه ای همچون آیت الله سید محمود طالقانی، آیت الله مطهری، دکتر بهشتی ، حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی ، حجت الاسلام خامنه ای ، آیت الله موسوی اردبیلی و شخصیت های سیاسی همچون مهندس عزت الله سحابی ، ابوالحسن بنی صدر، عباس شیبانی، صادق قطب زاده و... می توان نام برد.

مسئولیت و ریاست دولت موقت هم با مهندس بازرگان بود که در تشکیل کابینه اش از شخصیت هایی همچون دکتر یدالله سحابی ، دکتر سنجابی، داریوش فروهر، دکتر چمران، دکتر مبشری، احمد صدر حاج سیدجوادی ، دکتر سامی و... استفاده کرد . البته هم شورای انقلاب و هم دولت موقت در طول مدت خدمت خود چندبار دستخوش تغییر و تحول و دگرگونی شدند .

از سوی دیگر بعد از پیروزی انقلاب بلافاصله نهادهای جدیدی متناسب با نیازهای زمان به وجود آمدند . نخستین آنها کمیته های انقلاب اسلامی بودند که در تمامی شهرهای کشور تاسیس شدند . نهاد دیگر سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و دادگاه های انقلاب اسلامی بودند که به منظور حفظ و حراست انقلاب و نظام جدید از خطرات احتمالی و رسیدگی به وضعیت نهادهای و دست اندرکاران رژیم سابق تشکیل شدند .

شورای انقلاب بنا به وظیفه ای که برعهده اش گذاشته شده بود از همان ابتدای کار شروع به لغو قوانین مغایر با اهداف انقلاب و تصویب قوانین جدید کرد که وظیفه اجرای آنها برعهده دولت بود .

علاوه بر آن یکی از مهمترین وظایف دولت موقت برگزاری همه پرسی بود . این کار در روزهای 11 و 12 فروردین 1358 به انجام رسید و مردم در حضور گسترده خود رای به حذف سلطنت و برقراری جمهوری اسلامی دادند.

وظیفه دیگر دولت، تهیه پیش نویس قانون اساسی جدید و تشکیل مجلس موسسان با حضور نمایندگان مردم بود که در مرداد 1358 از سوی دولت با برگزاری انتخابات در سراسر کشور به انجام رسید .

مجلس خبرگان با 76 عضو از اواخر مرداد 1358 شروع به بررسی پیش نویس قانون اساسی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی کرد . کمتر از یک ماه بعد از شروع به کار این مجلس آیت الله سیدمحمود طالقانی که در انتخابات بیشترین رای مردم تهران را به خود اختصاص داده بود از دنیا رفت.

در همان حال که دولت و شورای انقلاب و نهادهای جدید در تلاش برای اداره کشور بودند در چند نقطه کشور و از جمله کردستان، ترکمن صحرا، خوزستان و سیستان و بلوچستان حوادث ناخوشایندی آغاز شد که موجبات ناامنی آن مناطق و برخورد میان نیروهای طرفدار و مخالف انقلاب را رقم زد. ناآرامی در ایبرخی از این مناطق به سرعت فروکش کرد ولی در برخی نقاط همچون کردستان ادامه یافت.

در این میان در اواسط آبان 1358 در پی اقدام عده ای از دانشجویان در اشغال سفارت آمریکا در تهران ، دولت موقت استعفای خود را به رهبر انقلاب تسلیم کرد و از آن پس دولت جدید منصوب شورای

انقلاب اداره امور کشور رابه دست گرفت . مهم ترین اقدام دولت جدید برگزاری همه پرسی برای قانون اساسی مصوب مجلس خبرگان، و برگزاری انتخابات ریاست جمهوری و مجلس شورای اسلامی بود .

یکی از اتفاقات مهم این دوره ترورهای بود که از سوی گروه فرقان علیه مسئولان کشور انجام شد . تیمسار قری رییس پیشین ستاد مشترک، آیت الله مرتضی مطهری رییس شورای انقلاب، هاشمی رفسنجانی عضو شورای انقلاب ، آیت الله قاضی طباطبایی امام جمعه تبریز ، حاج مهدی عراقی از مبارزان قدیمی و دکتر مفتاح از روحانیان برجسته تهران از جمله کسانی بودند که از سوی این گروه ترور شدند . با شناسایی و بازداشت و سپس اعدام تعدادی از رهبران و اعضای فعال فرقان این ترورها خاتمه یافت .

واقعیه مهم دیگر در این دران شکست عملیات نظامی نیروهای آمریکایی برای نجات گروگان‌هایی بود که در سفارت آمریکا به اسارت دانشجویان خط امام درآمده بودند . هواپیماها و هلی کوپترهای آمریکایی در صحرای طبس دچار توفان شن شدند و یک هلی کوپتر با هواپیمای c-130 برخورد و در نتیجه 8 نفر از نیروهای آنها کشته و مابقی با به جا گذاشتن 5 فروند هلی کوپتر مجبور به ترک خاک ایران شدند .

از جمله اتفاقات مهم دیگر این دوران وقوع انقلاب فرهنگی در دانشگاهها بود . دانشجویان انجمن های اسلامی که نسبت به حضور طرفداران گروههای سیاسی در دانشگاهها معترض بودند خواستار تعطیلی دفاتر گروه های سیاسی در دانشگاهها شدند . این اقدام 30 فروردین 1359 از دانشگاه تبریز آغاز و به سایر دانشگاهها و موسسات آموزش عالی تسری یافت . در عرض چند روز دانشگاهها به عرصه برخورد و درگیری میان موافقان و مخالفان این اقدام تبدیل شد . سرانجام با دخالت بنی صدر رییس جمهور دانشگاه های کشور از نیروهای طرفداران احزاب و سازمان های سیاسی تخلیه شد . دانشگاه ها هم به طور کلی به منظور تجدید نظر در اداره محیط های آموزش عالی و نیز تغییر محتوای آموزشی تعطیل اعلام شد . تعطیلی دانشگاهها تا سال 1362 ادامه یافت . در سال 1362 بار دیگر آزمون ورودی دانشگاهها برگزار و دانشگاهها بازگشایی شدند .

با شروع به کار مجلس شورای اسلامی در هفتم خرداد 1359 عمر شورای انقلاب اسلامی نیز به پایان رسید . شورای انقلاب در طول حیات خود قوانین و مقررات متعددی را به تصویب رسانید که مهم ترین آنها عبارت بود از : قانون اراضی شهری، ملی کردن بانکها، قانون حمایت از صنایع، ملی کردن کارخانجات بزرگ و...

ب- تثبیت نظام

در 31 شهریور 1359 در حالی که عمر نظام برآمده از انقلاب به دوسال نرسیده بود رژیم بعث عراق به فرمان صدام حسین از زمین و هوا و دریا به ایران حمله کرد و بخش‌هایی از کشور به اشغال سربازان متجاوز درآمد . ایران توانست در عرض کمتر از دوسال بخش‌های عمده مناطق اشغالی را از لوٹ وجود ارتش متجاوز پاک و اراضی اشغالی را بازپس بگیرد . ولی جنگ تا نیمه تابستان سال 1367 ادامه یافت . در 27 تیر 1367 با پذیرش قطنامه سازمان ملل میان دو کشور آتش بس برقرار شد .

در طول جنگ بهرغم فشار همه جانبه ای که بر ایران تحمیل شد ، دولت توانست با سهمیه بندی کالاهای اساسی نیازهای اساسی مردم را تامین کند .

اتفاق مهم دیگر در این دوران ، بروز درگیری میان جریان های مخالف با نظام جدید بود . اختلافات میان ابوالحسن بنی صدررییس جمهور با رهبران حزب جمهوری اسلامی به پیدایش یک دوقطبی در نظام منجر شد که به برکناری رییس جمهور از سوی مجلس انجامید . از سوی دیگر از ابتدای تابستان 1360 با شروع مبارزه مسلحانه از سوی سازمان مجاهدین خلق علیه نظام موحی از خشونت و ترور در کشور آغاز شد . اعضای سازمان مجاهدین تعدادی از رهبران و شخصیت های درجه اول کشور همچون دکتر بهشتی رییس دیوانعالی کشور، محمد علی رجایی رییس جمهور ، محمدجواد باهنر نخست وزیر ، علی قدوسی دادستان انقلاب و تعداد زیاد دیگری از مسئولان کشور و طرفداران جمهوری اسلامی را ترور کردند . در همین رابطه تعداد زیادی از اعضا و رهبران این سازمان و نیز سازمان های دیگر مخالف نظام از سوی نیروهای انتظامی و امنیتی شناسایی و بازداشت شدند و برخی از آنها به حبس و برخی نیز به مرگ محکوم شدند .

این امر موجب بسته شدن فضای سیاسی کشور، ممنوعیت فعالیت اکثر قریب به اتفاق احزاب و گروه های سیاسی و تعطیلی بسیاری از نشریات شد .

در طول سال های 1360 تا 1367 جمهوری اسلامی توانست با جریان های سیاسی مخالف خود را از سر راه بردارد و پایه های خود را تثبیت کند .

یکی از اتفاقات مهم این دوره سفر رابرت مک فارلین مشاور امنیت پیشین آمریکا به ایران و مذاکره با مقامات کشورمان بود . این سفر به دنبال مذاکرات محرمانه مقامات ایرانی و آمریکایی بر سر موضوعاتی همچون خرید اسلحه و تجهیزات نظامی از سوی ایران و آزادی گروگان های آمریکایی در لبنان انجام می گرفت. چند ماه بعد از سفر مک فارلین به تهران خبر این سفر از سوی مجله الشراع لبنان افشا شد.

اتفاق دیگر در این دوره، عزل آیت الله حسینعلی منتظری از قائم مقام رهبری بود. آیت الله منتظری در سال 1364 از سوی مجلس خبرگان به این سمت انتخاب شده بود . در هشتم فروردین 1368 رهبران انقلاب ایشان را از این مقام برکنار کردند.

در همین زمان یعنی بهار 1368 ؛ بیست و پنج نفر از سوی رهبر انقلاب برای بررسی قانون اساسی جمهوری اسلامی برگزیده شدند و طی جلسات خود موادی از قانون اساسی را اصلاح و برخی مواد را به آن افزودند .

از جمله تغییراتی که در متمم قانون اساسی صورت گرفت حذف پست نخست وزیر از نظام سیاسی ایران و واگذاری وظایف نخست وزیر به رییس جمهوری بود

ج: دوران پس از جنگ

آیت الله العظمی خمینی در 14 خرداد 1368 بر اثر بیماری از دنیا رفت و پیکر ایشان با حضور انبوه و میلیونی مردم تشییع و به خاک سپرده شد . به دنبال این اتفاق آیت الله خامنه ای از سوی اعضای مجلس خبرگان قانون اساسی به جای ایشان انتخاب شد .

انتخاب آقای خامنه ای به رهبری همزمان بود با پایان دوره ریاست جمهوری ایشان و در نتیجه برای انتخاب رییس جمهوری جدید در تابستان سال 1368 انتخابات برگزار و اکبر هاشمی رفسنجانی به عنوان رییس جمهور جدید انتخاب شد. این انتخاب در سال 1372 برای یک دوره دیگر تجدید شد و در نتیجه هاشمی به مدت 8 سال زمام امور کشور را در دست داشت. در دوره ریاست جمهوری هاشمی سیاست های اقتصادی و اجتماعی و تاحدودی فرهنگی کشور دستخوش تغییر شد و از آن زمان به بعد اقتصاد کشور به سمت خصوصی سازی تغییر جهت داد.

در 2 خرداد 1376 انتخابات ششمین دوره ریاست جمهوری کشور برگزار و سید محمد خاتمی وزیر پیشین فرهنگ و ارشاد اسلامی در میان ناپاوری عمومی به ریاست جمهوری انتخاب شد. دوره ریاست جمهوری خاتمی که در سال 1380 به مدت چهار سال دیگر تمدید شد به دوران اصلاحات معروف شد. در این دوره هشت ساله فضای فرهنگی و به میزان کمتری فضای سیاسی کشور به سمت باز شدن حرکت کرد.

نمونه بارز فضای جدید را در افزایش تعداد نشریات و نیز محتوای آنها که به شکل مشهود لحن انتقادی داشتند دید.

یک اتفاق مهم در این دوران ترور عده ای از نیروهای اپوزیسیون توسط عوامل خودسر بود. داریوش فروهر و همسرش پروانه اسکندری، محمدمختاری، محمد جعفر پوینده و محمد شریف از جمله کسانی بودند که توسط این افراد به قتل رسیدند. این قتل ها به قتل های زنجیره ای معروف شدند و آمران و مجریان آن توسط نیروهای امنیتی دستگیر و بازداشت شدند. طراح و عامل اصلی این قتل ها به نام سعید امامی در زندان خودکشی کرد و بقیه عوامل به زندان محکوم شدند.

یک اتفاق مهم دیگر در این دوره هجوم نیروهای لباس شخصی به کوی دانشگاه در 18 تیر 1378 بود. در این واقعه خسارات زیادی به دانشگاه و دانشجویان وارد شد و عده ای از دانشجویان زخمی و یک نفر نیز کشته شد.

در این دوره همچنین نخستین دوره انتخابات شوراهای شهر و روستا، در سراسر کشور برگزار شد.

در پایان دوره ریاست جمهوری خاتمی، محمود احمدی نژاد شهردار تهران در انتخابات ریاست جمهوری توانست در دوره دوم بر اکبر هاشمی رفسنجانی پیروز شود و زمام اداره کشور را به دست بگیرد. در این دوران سیاست های جمهوری اسلامی به ویژه در عرصه سیاست خارجی و فرهنگی با تغییراتی روبه رو شد.

در دوره ریاست جمهوری احمدی نژاد یعنی سال های 1384-1392 درآمد ایران از محل فروش نفت به میزان زیادی افزایش یافت. بنا بر آمار غیررسمی این افزایش سبب برخورداری ایران از درآمدی در حدود 700 میلیارد دلار شد.

در سال 1388 دهمین دوره انتخابات ریاست جمهوری برگزار شد. و در نتیجه بار دیگر محمود احمدی نژاد به ریاست جمهوری انتخاب شد. در پی اعلام نتایج انتخابات، دونا مزد دیگر انتخابات یعنی میرحسین موسوی و مهدی کروبی به نتایج انتخابات اعتراض و خواستار تجدید انتخابات شدند. به دنبال اعتراض

دو نامزد مزبور، طرفداران آنها نیز با حضور در خیابان‌ها اعتراض خود را به نتیجه انتخابات اعلام داشتند .

تأیید نتیجه انتخابات و عدم پذیرش اعتراضات نامزدهای معترض موجب ادامه یافتن اعتراضات خیابانی در تهران و بسیاری از شهرهای دیگر کشور شد که تا اواخر سال 1389 ادامه یافت . در جریان اعتراضات عده زیادی در درگیری میان نیروهای انتظامی و مردم کشته و زخمی و عده زیادی نیز بازداشت شدند . سرانجام بعد از فراخوان میرحسین موسوی و مهدی کروبی به تظاهرات در حمایت از تظاهرات مردم در کشورهای عربی که به بهار عربی معروف شد ، موسوی و همسرش خانم زهرا رهنورد و مهدی کروبی و همسرش خانم فاطمه کروبی از سوی نیروهای امنیتی بازداشت و در خانه های خود محصور شدند . خانم کروبی بعد از چندسال اجازه خروج از منزل را پیدا کرد ولی حصر موسوی و همسرش و کروبی همچنان ادامه دارد.

در خرداد 1392 به دنبال پایان دوره دوم ریاست جمهوری احمدی نژاد ، حسن روحانی در انتخابات پیروز و به عنوان یازدهمین رئیس جمهور کشور برگزیده شد . روحانی در دوره بعد نیز این موفقیت را تکرار کرد و در نتیجه به مدت هشت سال در مسند ریاست جمهوری باقی ماند . روحانی در دوره اول خود توانست بر سر مساله هسته ای با آمریکا و شرکای غربی وی به توافق دست یابد و در نتیجه امضای آن توافق که به برجام موسوم شد بخش‌هایی از تحریم های آمریکا علیه ایران لغو شد .

لغو تحریم‌های آمریکا علیه ایران گرچه همه تحریم‌ها را شامل نمی شد ولی به هرصورت موجب گشایش در وضع اقتصادی و کاهش تورم شد .

اما با پایان یافتن دوران ریاست جمهوری باراک اوباما و انتخاب دونالد ترامپ بار دیگر وضع به حالت گذشته درآمد . ترامپ که از ابتدا با برجام و توافق با ایران مخالفت کرده بود چندی بعد از ورود به کاخ سفید ، اعلام کرد که با قرارداد مزبور مخالف است و آمریکا از این پس به تعهدات خود عمل نخواهد کرد . وی نه تنها تحریم‌های قبلی را بار دیگر برقرار کرد بلکه با وضع قوانین جدید ، بر شدت تحریم‌ها به طرز بی‌سابقه‌ای افزود .

وضع تحریم‌های جدید اوضاع اقتصادی ایران را به شدت مورد تأثیر قرارداد و موجب بروز رکود اقتصادی و تورم مهارگسیخته در کشور شد .

در اواخر دوره ریاست جمهوری روحانی به جز دو اتفاق مهم این دوران یعنی بروز بیماری همه گیر کرونا و سرنگونی هواپیمای اوکراینی که به مرگ 176 نفر منجر شد ، چند حادثه مهم دیگر نیز رخ داد که از بقیه مهم تر ترور قاسم سلیمانی فرمانده سپاه قدس توسط آمریکا ، حوادث دی 1396 و آبان 1398 را می توان قابل ذکر دانست .

آخرین تحول ایران در سال پایانی قرن چهاردهم انتخاب ابراهیم ریسی به ریاست جمهوری بود . بعد از انتخاب رییس ، با توجه به روی کار آمدن جوبایدن در کاخ سفید بار دیگر مذاکرات میان ایران و آمریکا بر سر مساله تاسیسات هسته ای ایران آغاز شد .

سیاست خارجی ایران که بر اساس یکی از مهم ترین شعارهای انقلاب "نه شرقی - نه غربی " بود در عرض این سه دوره با تغییراتی روبه رو شد . در دوران ده-ساله ابتدای انقلاب یعنی در دوره تاسیس

و نیز دوران تثبیت سیاست خارجی کشور بر اساس شعار نه شرقی - نه غربی قرار داشت ، در دوران پس از جنگ یعنی از 1368 تا اواخر دهه 1390 وزنه نه شرقی تا حدودی در عرصه سیاست خارجی و همچنین در عرصه اقتصادی بر وزنه نه غربی آن غلبه یافت . اما از اواخر دوره ریاست جمهوری حسن روحانی به تدریج وزنه نه غربی بر گرایش مقابل برتری پیدا کرد .

سیاست نگاه به شرق که مهم‌ترین جلوه آن را در افزایش تجارت خارجی ایران با کشورهای هم‌چون روسیه و به ویژه چین می‌توان مشاهده کرد با انعقاد دوقرار داد بلند مدت با چین و روسیه خود را بیش-ازپیش نمایان ساخت . امری که در سخنان مقامات مسئول کشور نیز به صراحت بیان می شد و دلیل آن هم سیاست‌های خصمانه بلوک غرب در قبال ایران عنوان می شود .

اطلاعات - ویژه نامه نوروزی - اسفند 1400